



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: میراث المجوس.

بختمان در میراث مجوس بود، محقق در شرایع و صاحب جواهر در جواهر که شرح شرایع است ابتدا اقوالی را نقل کردند ولی در آخر قول شیخ طوسی را اختیار کردند و بر اساس آن مشی کردند و بعد مثالهایی زدند که دیروز چند صورت را خواندم من جمله اینکه اگر با مادر یا دخترش ازدواج کند حکم چیست و ارث چگونه تقسیم می شود و اما امروز صورت های دیگری را خواهیم خواند.

فرض سوم: ( وکذا أخت هي زوجة لها الربع ) نصيب الزوجية مع عدم الولد ( والنصف ) نصيب الأختية ( والباقي يرد عليها بالقرابة إذا لم يكن لها (مشارك).

در اینجا دو مخرج ۴ و ۲ داریم که متداخل هستند لذا ۴ که اکثر هست را اخذ می کنیم و فریضه را به ۴ قسمت تقسیم می کنیم و دو چهارم را بخاطر اُخت واحده بودن و یک چهارم را به خاطر زوجیت به زن می دهیم و یک چهارم اضافه می آید که چون فرض بر این است که وارث دیگری نیست این مقدار اضافه را نیز از جهت اُختیت رداً به او می دهیم.

فرض چهارم: وکذا جدّة هي أخت، كما لو تزوج زيد بنته، فأولدها(بنت) بنتاً، ثم تزوج البنت(بنت آخري)، فأولدها(بنت آخري) ولداً اسمه بكر، فأم البنت جدّة بكر و أخته(بكر)، فأم أم بكرٍ جدّة و هي أخت لبكر.

تا اینجا این بود که دو علت با هم جمع شده بودند که یا هر دو فاسد یا هر دو صحیح بودند و اما صورت بعدی که صاحب جواهر مطرح می کند این است که: « ( ولو اجتمع السببان(اسباب مانند عتق یا ضمان جریره یا ولاء امام) وأحدهما يمنع الآخر، ورث من جهة المانع، مثل بنت هي أخت من أم(در طول هم هستند چون بنت از طبقه اول و اُخت از طبقه دوم می باشد)، ف ( مان لها نصيب البنت دون الأخت لأنه لا ميراث عندنا لأخت مع بنت ) كما عرفته في الطبقات.

( وکذا بنت هي بنت بنت ) فان ( لها نصيب البنت دون بنت البنت ) لأنه لا ميراث لبنت البنت مع البنت عندنا.

( وکذا عمّة هي أخت من أب ) كما لو تزوج زيد بأمه وله ابن فأولدها بنتا فهي عمّة الابن وأخته ، فإن ( لها نصيب الأخت دون العمّة ) لأنه لا ميراث لها مع الأخت.

( وکذا عمّة هي بنت عمّة ) كما لو كان لزيد بنت وابن وللابن أولاد فتزوج زيد ببنته فأولدها بنتا ، فهي أخت الابن وبنت أخته وعمّة أولاد الإبن وبنت عمّتهم ، فان ( لها نصيب العمّة ) لأنه لا ميراث لبنت العمّة مع العمّة.<sup>۱</sup>

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ... .

### بحث اخلاقی:

امروز « ۱۹ دی ماه » می باشد، این روز در تاریخ انقلاب یکی از ایام الله بسیار مهم است که باید گرامی داشته شود.

در هفدهم دی ماه سال ۱۳۵۶، مقاله ای از احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات بر ضد امام خمینی رضوان الله علیه چاپ شد و وقتی این روزنامه به قم رسید، ما جمع شده و نمی توانستیم در مقابل توهین به امام ساکت باشیم؛ در ابتدا از اساتید و فضلاء درجه یک حوزه دعوت کرده و در منزل ما جمع شدند که در مقابل این مقاله چه کاری باید انجام دهیم؟ که در نهایت تصمیم بر این شد که فردا دروس حوزه را تعطیل کرده و حرکتی را در این راستا انجام دهیم.

طلاب و فضلا به خیابان آمده و آخرین منزلی که آمدند، منزل بنده بود و ما نیز وظیفه خودمان دانستیم که آنجا صحبت کنیم که آیه ۱۷ سوره رعد در آن سخنرانی قرائت شد.

در آیه ۱۷ سوره رعد آمده است: "خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر درّه و رودخانه ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه ( در کوره ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می کنند نیز کفهایی مانند آن به وجود می آید، خداوند، حق و باطل را چنین مثل می زند، اما کفها به بیرون پرتاب می شوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند ( آب یا فلز خالص ) در زمین می ماند خداوند این چنین مثال می زند."

ما در آن سخنرانی، امام خمینی رضوان الله علیه را به آبی که در این آیه آمده، تشبیه نموده و دشمن را نیز به کف روی آب تشبیه کردم و در ادامه شعری نیز از اشعار مثنوی معنوی قرائت شد؛

مه فشانند نور و سگ عو عو کند

<sup>۱</sup> جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج ۳۹، ص ۳۲۳، ط ۴۳ جلدی.

ز غیض و خشم چون شیران / هدف نزدیک می گردد  
 ز غیض و غم روز و شب / شعار مرگ ز بر لب  
 تو گویی کرده تهرآن تب / هدف نزدیک می گردد  
 مجاهد مردم شوستر / زده بر قلب شهر نشتر  
 به امید دل خوشتر / هدف نزدیک می گردد  
 رقیب ختم کرمانشاه / رسید از آمیان تا ماه  
 که هان ای ظالم گمراه / هدف نزدیک می گردد  
 ورامین پیشتاز آمد / به جرأت همتراز آمد  
 ز قدرت سرفراز آمد / هدف نزدیک می گردد  
 طنین غیض اصفهان / به پا کرده عجب طوفان  
 گند کاخ ستم ویران / هدف نزدیک می گردد  
 قوی مردان شیرازی / به سان لشکر تازی  
 گذشت آن خیمه شب بازی / هدف نزدیک می گردد  
 مجاهد مردم مشهد / بسی دیده ستم بی حد  
 ز غیض و خشم می جوشد / هدف نزدیک می گردد  
 صدا بر خواست از ایلام / که هان ای گرگ خوناشام  
 مزین دیگر دم از اسلام / هدف نزدیک می گردد  
 مجاهد مردم سنقر / به دست هر یکی آجر  
 ز غیض و غم دلها پر / هدف نزدیک می گردد  
 خمین آن شهر خشم آلود / کند طاغوت را نابود  
 ز کاخ شه درآورد دود / هدف نزدیک می گردد  
 مجاهد مردم گرگان / به قصد رزم پا کویان  
 شعار مرغزار جویان / هدف نزدیک می گردد  
 اسیر دست جلادم / نشانه دست صیادم  
 ولی از کار خود شادم / هدف نزدیک می گردد  
 قرین شهر خلحالم / مکن با من که بدحالم  
 ز کار خویش خوشحالم / هدف نزدیک می گردد  
 هر آنچه گفته ام حق بود / جواب حرف مطلق بود  
 ز حرف یار مشتق بود / هدف نزدیک می گردد  
 جهاد ما بود دائم / نبرد خصم شد لازم  
 خمینی می شود حاکم / هدف نزدیک می گردد...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

سگ ز نور ماه کی مرتع کند...  
 خلاصه ما امام را به ماه و شاه را به سگ تشبیه کردم و سخنرانی  
 مفصلی کردم.  
 عصر جمعه به همراه طلاب و فضلا به صورت راهپیمایی به سمت حرم  
 مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در حال حرکت بودم  
 که ایادی شاه، جمعیت را به گلوله بست و بنده نیز دستگیر شده و  
 به خلخال تبعید شدم؛ اما این حرکت به اندازه ای با عظمت بود که  
 در تمام شهرها یکی پس از دیگری آغاز شد.  
 روز ۱۹ دی را باید به خاطر داشت؛ وقتی امام از نوفل لوشاتو به  
 قم آمدند، اول به منزل ما آمده و فرمودند که انقلاب از اینجا آغاز  
 شده است.  
 این حرکت به اندازه ای عظیم بود که یک به یک شهرها قیام کردند  
 و بنده نیز شعری در این رابطه سرودم:  
 ز هر سو انفجار آید / صدای انزجار آید  
 خزان رفت و بهار آید / هدف نزدیک می گردد  
 تنور خشم این ملت / طنین لعنت و نفرت  
 گرفته اوج و هم وسعت / هدف نزدیک می گردد  
 نماند این نظام آخر / کند ملت قیام آخر  
 بگیرد انتقام آخر / هدف نزدیک می گردد  
 ز «قم» آغاز شد طوفان / کند تا شاه را بنیان  
 شود آسوده تا ایران / هدف نزدیک می گردد  
 شعار مسجد اعظم / بود هر زخم را مرحم  
 زند کاخ ستم بر هم / هدف نزدیک می گردد  
 روان شد جوی خون در قم / به ناحق کشته شد مردم  
 ولی خونها نگردد گم / هدف نزدیک می گردد  
 خیابان ارم پر خون / صفائیه شده جیحون  
 تمام چهره ها گلگون / هدف نزدیک می گردد  
 همه کشور تلاطم شد / به پشتیبانی از قم شد  
 به فکر یک تهاجم شد / هدف نزدیک می گردد  
 دلاور مردم تبریز / بسوزاندند رستاخیز  
 که هان ای زاده چنگیز / هدف نزدیک می گردد  
 قیام یزد خونین بود / برای یاری دین بود  
 بسی شایان تحسین بود / هدف نزدیک می گردد  
 مجاهد مردم قزوین / همه با مشت پولادین  
 قیامشان برای دین / هدف نزدیک می گردد  
 منور مردم تهران / بیسته حجره و دکان